

یک تا شش ماهگی

نویسنده: گروه آموزشی بازی و اندیشه

ماه اول تولد زمان کسب شناخت مادر و کودک نسبت به یکدیگر است. بتدریج نوزاد همیشه در خواب شما شروع به تغییر و هوشیاری بیشتر می کند و محیط اطراف برایش جذابتر می شود. شاید دوران نوزادی برای بسیاری از مادران دوست داشتنی ترین دوران رشد کودک باشد. احساس تعلق همیشگی نوزاد به شما و اینکه او هویت وجودی خود را در بودن شما می داند، به نوعی جالب است. از طرفی همین وابستگی بسیار می تواند برای شما دست و پاگیر باشد بطوریکه فکر می کنید هیچ زمانی برای خلوت با خود و پرداختن به امور مورد علاقه خود ندارید. اما روبرو شدن با دنیای پراز شگفتی و هیجان آور طفولیت آنقدر لذت بخش است که شما همیشه از داشتن کودک خود احساس غرور می کنید و به او عشق می ورزید.

بررسی مراحل رشد در یک تا شش ماهگی

رشد یک پدیده مستمر است. ممکن است در بعضی زمینه ها کند شود ولی هرگز متوقف نمی گردد. گاهی رشد در زمینه های خاصی پیشرفت نشان می دهد اما در مقابل ممکن است در زمینه های دیگر کندتر شود. از نظر سرعت رشد هیچ دو کودکی مانند هم نیستند. مجموعه ای از نمودارها برای سیر تکامل رشد در سنین مختلف وجود دارد اما احتمال اینکه کودک هر کاری را دقیقاً در زمان میانگین گفته شده انجام دهد بسیار کم است. کودک به احتمال قریب به یقین آن کار را زودتر یا دیرتر انجام می دهد. در این مقاله بطور مختصر برخی جنبه های رشد را که در زیر آمده است در کودکان یک تا شش ماهه بررسی می کنیم:

۱- رشد جسمانی

۲- رشد حرکتی

۳- رشد ذهنی

۴- رشد ادراکی (بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی، چشایی)

۵- رشد هیجانی، اجتماعی، عاطفی

۶- رشد گفتاری



۱- رشد جسمانی

بطور متوسط وزن یک نوزاد طبیعی که پس از یک دوره کامل حاملگی بدنیا آمده است در لحظه تولد، حدود سه تا سه و نیم کیلوگرم و قد او بطور متوسط ۴۸ تا ۵۰ سانتی متر است. بدیهی است که اندازه، قد و وزن در نوزادان مختلف فرق می کند، نوزادانی که از مادران سالمتر و با تغذیه ی بهتر به دنیا می آیند، از نظر قد و وزن نیز طبیعی ترند. بطور کلی رشد جسمانی و رسیدگی اندام های بدنی به عوامل محیطی و ارثی بستگی دارد. نرمش، حرکات ساده ورزشی و تمرین نیز تا اندازه ای در رشد جسمانی کودک مؤثر است. تغذیه و بهداشت مادر در دوران بارداری و شیردهی، در قد و وزن و سایر توانایی های کودک تأثیر بسزایی دارد. سوء تغذیه جنین باعث کاهش قابل ملاحظه ی سلول های مغزی شده، از رشد طبیعی سلول های ایجادشده نیز جلوگیری می کند. در هنگام تولد سلول های مغزی مربوط به حواس و تعادل از میلیون پوشیده شده اند. بعد از تولد نیز این جریان با نظمی خاص ادامه پیدا می کند و تا پایان سال دوم زندگی به سرعت پیشرفت می کند

۱-۱- وزن

بطور متوسط هر هفته ۱۵۰ تا ۲۰۰ گرم بر وزن کودک اضافه می شود تا اینکه در شش ماهگی وزنش به دو برابر وزن هنگام تولد می رسد. اگر وزن کودک بطور منظم اضافه نشود یعنی در بعضی هفته ها افزایشی نداشته باشد، در هفته های بعد این کمبود جبران خواهد شد. وزن پسران همیشه از دختران کمی بیشتر است و این تفاوت را تا دوران بلوغ حفظ می کنند ولی از آن به بعد دختران سریعتر رشد می کنند، ترکیبات بدنی آنها نیز با هم متفاوت است بطوریکه دختران در مقایسه با پسران چربی بیشتری دارند ولی عضلات و آب موجود در بدن پسران بیشتر است.

۱-۲- قد :

تغییرات قد نیز مانند وزن، در یک سال اول زندگی قابل توجه است و در حدود بیش از ۲۰ سانتی متر، یعنی تقریباً "بیش از ۱/۳ قد در هنگام تولد، به اندازه قد اضافه می شود رشد سر در دوسال اول زندگی در مقایسه با قد و وزن کمتر است و از این طریق تناسب آن با بدن بدست می آید و شباهت و تناسب قد، وزن و سر به اندازه های دوره بزرگسالی نزدیک می شود. اندازه های بدنی دختران و پسران در دوسال اول تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند.

۱-۳- رشد دندان ها :

بعد از تولد نوزاد و مدت ها قبل از اینکه دندان ها ظاهر شوند، دندان ها درون لثه وجود دارند. نخستین دندان کودک حدود شش تا هشت ماهگی بیرون می آید و بقیه پس از آن و بتدریج رشد می کنند. زمان رویش دندان ها در کودکان مختلف فرق می کند، بعضی زودتر دندان درمی آورند و بعضی دیرتر. ممکن است کودکی در سه ماهگی دندان در بیاورد و کودکی تا یکسالگی دندان نداشته باشد. دیر یا زود روئیدن دندان ها هیچ ارتباطی با کم هوشی یا باهوشی کودک ندارد. طبیعی است که هرگونه اختلال در تغذیه کودک بخصوص کمبود شیر موجب ناهنجاری هایی در تشکیل مینا و نسوج دندان می شود و رشد آن را با اشکال روبرو می کند.

۲- رشد حرکتی

توالی رشد حرکتی شامل :

۱- رشد حرکتی درشت : Gross motor development

۲- رشد حرکتی ظریف : Fine motor development

رشد حرکتی درشت به کنترل اعمالی اشاره دارد که به نوباوگان کمک می کند در محیط گردش کنند مثلاً "سینه خیز بروند، بایستند و راه بروند. در مقابل رشد حرکات ظریف به حرکت های کوچکتر مانند دست دراز کردن و چنگ زدن مربوط می شود. گرچه توالی رشد حرکتی در بین کودکان خیلی یکنواخت است اما تفاوت های فردی زیادی در سرعت رشد حرکتی وجود دارد. فقط در صورتی نسبت به رشد کودک نگران می شویم که چند مهارت حرکتی بطور جدی به تأخیر افتاده باشد. بطور خلاصه در :

۶ هفتهگی

حرکات درشت: کودک می تواند صورتش را تا زاویه ۴۵ درجه نسبت به تشک بالا آورد، موقعی که او را می نشانید سرش کمتر می افتد و وقتی رو به پایین نگاه

داشته می شود، می تواند برای چند دقیقه سرش را در امتداد بدن نگه دارد. زانوها و باسن او در حال نیرومند شدن هستند و به اندازه گذشته جمع نمی شوند

حرکات ظریف : بازتاب چنگ زدن تقریباً بطور کامل از بین رفته و دست های او بیشتر مواقع باز است.

۸ هفتگی

حرکات درشت : کودک در حال ایستاده، نشسته یا دمر، سر خود را بالا نگه می دارد ولی نه برای مدت طولانی. وقتی او را بصورت دمر نگه دارید، می تواند سر را در امتداد بدن قرار دهد.

حرکات ظریف : دست ها هرچه بیشتر و راحت تر بازمی شود و رفته رفته نسبت به آن آگاهی می یابد.

۱۲ هفتگی

حرکات درشت : کودک می تواند در حالت دمر سر خود را دایم بالا نگه دارد. حرکات ظریف : می تواند در حالت دمر وزن خود را روی یک دست انداخته و دست دیگر را دراز کند. می تواند جفجغه را در دست نگه دارد.

۱۶ هفتگی

حرکات درشت : اکنون کودک دوست دارد بنشیند و به اطراف نگاه کند، ولی به کمک احتیاج دارد. سرش کمی افتادگی پیدا می کند و می تواند آن را راست نگه دارد، هرچند هنوز هم اگر حرکت ناگهانی کند سرش تاب می خورد.

حرکات ظریف : بتدریج کنترل دست ها و پاهای خود را بدست می آورد. جفجغه را تکان می دهد ولی قادر نیست آن را از زمین بردارد.

۲۰ هفتگی

حرکات درشت : سر خود را بطور کامل کنترل می کند حتی وقتی به حالت نشسته قرار گرفته یا به اطراف تکان می خورد، سرش نمی افتد.

حرکات ظریف : انگشتان پای خود را یافته و می تواند مشت خود را در دهان بگذارد. برای اشیاء بزرگ هر دو دست را دراز می کند. از مچاله ی کاغذ لذت می برد.

۲۴ هفتگی

حرکات درشت : عضلات کودک آنقدر قوی شده که می تواند مقدار زیادی از وزنش را روی ساعدهایش بیندازد، درحالی که دستهایش را بعنوان تکیه گاه جلو گذاشته می نشیند.

حرکات ظریف : دستهایش را دراز می کند تا بلندش کنید و می تواند بدون تکیه گاه چند دقیقه در صندلی بچه بنشیند. می تواند چیزی را از یک دست به دست دیگر دهد و شیشه شیرش را نگه می دارد. اگر چیزی در دستش باشد آن را زمین می اندازد تا چیز دیگر را بردارد.

۳- رشد ذهنی

وزن مغز کودک در طی دو سال اول زندگی دوبرابر می شود. این افزایش وزن تا حدودی بدلیل رشد " اتصالات " بین سلول ها و قسمت های مختلف مغز است. بدون این اتصالات ما قادر به فکر کردن نخواهیم بود و یادگیری نیز از طریق این اتصالات شروع می شود. نوزاد هنگامی که به چیزی علاقمند می شود و تلاش ذهنی می کند، مغز

او شروع به تشکیل یک شبکه می کند. هنگام تحریک هریک از حواس کودک، همین کار انجام می گیرد. بنابراین از بدو تولد، هر صدا، تماس، احساس، تصویر، بو و مزه موجب ساخته شدن اتصالات بیشتری می شود. برای پیشرفت رشد ذهنی بایستی بینایی، شنوایی، حافظه و مهارت های حرکتی باهم پیش بروند. همگام با افزایش درک عمومی، بسیاری از مهارت های مغزی و بدنی به سرعت رشد می کنند و توسعه می یابند. عوامل تعیین کننده عبارتند از: اجتماعی بودن، شخصیت کودک و محیطی که شما برای او ایجاد می کنید. فراهم کردن محیط غنی از محرک ها برای کودک، بخصوص در سال اول زندگی و ادامه آن در سال های آتی در مغز جهش های رشدی عمده ای را بعمل می آورد.

توالی رشد ذهنی در کودک یک تا شش ماهه :

۶ هفتگی

وقتی با کودک حرف می زنید به شما لبخند کوتاهی می زند و صداهای کوتاه و حلقی از خود درمی آورد.

۸ هفتگی

بهراحتی و مکرر لبخند می زند و با نگاه در جهت صدا و حرکات، به محیط اطراف خود توجه می کند. به اشیاء مختلف خیره می شود.

۱۲ هفتگی

کودک شروع به درک بدن خود کرده و به انگشتانش نگاه می کند و بطور ارادی تکان می دهد. هنگام صحبت با او با حرکات متنوعی مثل تکان سر، لبخندزدن، حرکات دهان، صدا درآوردن، جیغ زدن و ... خوشحالی اش را نشان می دهد.

۲۰ هفتگی

بازی بخصوص آب بازی در حمام را دوست دارد. باصرف وقت بیشتر روی اشیاء افزایش تمرکز خود را نشان می دهد. درآیین به خود لبخند می زند، سرش را بطرف صدا برمی گرداند و دست و پایش را برای جلب توجه تکان می دهد.

۲۴ هفتگی

با ایجاد صداهای مختلف سعی در جلب توجه می کند، وقتی صدای پای کسی را می شنود هیجان زده می شود. دستانش را برای اینکه بغلش کنید باز می کند. با تصویر خود در آینه صحبت می کند و به آن لبخند می زند. با دهانش حباب تولید می کند. کم کم از غریبه ها خجالت می کشد.

۴- رشد ادراکی (بینایی، شنوایی، لامسه، بویایی)

رشد کنش های ادراکی با حواس آغاز می شود، یعنی زمانی که کودک نسبت به محرک های خارجی از قبیل نور، صدا، طعم و بو واکنش نشان می دهد. اگرچه هنوز بسیاری از کارکردهای مغز ناشناخته مانده است و ادراک کودک غیرقابل دسترسی است، روشن است که زیربنای هر ادراک یک فعالیت عصبی در مغز است. گیرنده های حسی، شنوایی، بینایی و گیرنده هایی مانند چشایی و بویایی و غیره ادراک های حسی مختلف را دریافت کرده، برای ارزیابی واکنش، به مراکز مختلف مغز می فرستند

۱-۴ بینایی

در دوماهگی نوزادان می توانند بخوبی بزرگسالان روی اشیاء تمرکز کنند و رنگ ها را تشخیص دهند. دقت بینایی در سال اول بهبود می یابد، تیزی بینایی در شش ماه اول تقریباً ۲۰/۶۰۰ به ۲۰/۱۰۰ تغییر می یابد، در نیم سال اول توانایی تمرکز روی شیء متحرک و ردیابی آن بهبود می یابد، زمانی که نوزادان واضح تر می بینند، میدان دیداری خود را ماهرانه تر کاوش می نمایند، روی دسته بندی کردن ویژگی های محیط و نحوه ای که آن ها در فضا مرتب شده اند اثر می گذارد.

۴-۲ شنوایی

در سال اول زندگی کودکان، سازمان دادن اصوات در طرح های پیچیده را آغاز می کنند. اگر دواهنگی که اندکی با هم تفاوت دارند نواخته شود، یک بچه یکساله می تواند بگوید آنها یکی نیستند. پاسخ دهی به صدا به کاوش دیداری و لامسه نوزاد در محیط کمک می کند. توانایی تشخیص دادن محل دقیق صدا، با کمک نگاه کردن، در شش ماهگی به نحو قابل ملاحظه ای بهبود می یابد. در این زمان کودکان می توانند در مورد فاصله صدا قضاوت کنند

۵- رشد هیجانی، اجتماعی، عاطفی

کودکان ما باید قادر به سازگاری های شخصی و اجتماعی مؤثری باشند. شخصیت کودکان بیشتر به آنچه که از والدین یاد می گیرند بستگی دارد تا وراثت. بسیاری از ویژگی های شخصیتی کودک از قبیل توانایی برقراری ارتباط، سازگاری با آنها، درس گرفتن از اشتباهات، تمایل به همکاری و سخت کوشی، قدرت مشاهده، تمرکز و تحقیق و سرانجام توانایی خلاق، مصمم و جاه طلب بودن، در سرنوشت آینده کودک مؤثر است. والدین می توانند تأثیر عمیقی بر اکتساب این خصوصیات شخصیتی داشته باشند و کمک زیادی به تحکیم صفات ذاتی از قبیل استقلال، پاسخ دهی (به آسانی لبخند زدن)، دقت، خونسردی و اعتماد به نفس بنمایند. والدین همچنین مسئول انتقال خودآگاه یا ناخودآگاه صفات شخصیتی خود به کودکانشان می باشند. یک پدر و مادر ناشکیبا به ندرت کودک صبور تربیت می کنند، کودک سخت گیر معمولاً والدین سختگیری دارد. به یادداشته باشید که تمامی زندگی کودک در سال ها و حتی ماه های اول زندگی او شکل می گیرد. اگر نیازهای اساسی کودک شما برآورده شود و به مقدار زیاد از محبت و توجه برخوردار گردد، احتمال اینکه در بزرگسالی انسانی شاد و خوشبخت باشد زیاد است.

۵-۱ رشد هیجانی

رویدادهای مهم رشد هیجانی در دو تا سه ماهگی، به این صورت است که نوزادان لبخند اجتماعی می زنند و با مهربانی به حالت صورت بزرگسالان پاسخ می دهند. در سه تا چهارماهگی نوزادان به محرک های بسیار برانگیزاننده می خندند. اغلب پژوهشگران قبول دارند که تقریباً نشانه های همه ی این هیجان ها (شادی، علاقه، تعجب، ترس، خشم، غم و نفرت) در اوایل نوزادی وجود دارد، این هیجان ها بمرور زمان نشانه های کاملاً سازمان یافته می شود. در حدود شش ماهگی صورت، صدا و حالت بدن الگو های متمایزی را نشان می دهند که آشکارا به رویدادهای اجتماعی مربوط هستند. در نیم سال اول زندگی، جلوه های هیجانی کاملاً سازمان یافته و مشخص هستند و از اینرو می توانند اطلاعات زیادی را در مورد حالات درونی نوزاد در اختیار ما بگذارند. در سه و چهارماهگی هیجان های خوشایند کودک بصورت شادی، خنده، و صداهای محسوس در مقابل محرک های مطبوع دیده می شود و اگر او را در آغوش بگیرند شادمان و ساکت می شود. یک کودک طبیعی سه تا شش ماهه در مقابل چهره مادر و افراد غریبه و حتی عروسک لبخند می زند.

۵-۲ خودگردانی هیجانی

خودگردانی هیجانی به راهبردهایی اشاره دارد که برای تنظیم کردن حالات هیجانی خود و رساندن آن به سطح شدت مطلوب بکار می بریم تا بتوانیم به هدف هایمان برسیم. رشد سریع قشر مخ، بتدریج تحمل کودک برای تحریک را زیاد می کند. والدین بین دو تا چهارماهگی، از طریق پرداختن به بازی رودررو و ترغیب توجه به اشیاء این توانایی را پرورش می دهند. والدین در این تعاملات، درحالیکه آهنگ رفتار خود را طوری تنظیم می کنند که کودک احساس از توان افتادن و ضعف نکند، او را خوشحال و شاد می کنند. در نتیجه تحمل تحریک کودک بیشتر افزایش می یابد. در پایان سال اول زندگی، توانایی نوباوگان در جابه جا شدن، به آن ها امکان می دهد که با نزدیک شدن به موقعیت های گوناگون یا عقب نشینی از آن ها، احساس خود را به نحو مؤثرتری تنظیم کنند.

۳-۵ رشد اجتماعی

کودکان از همان لحظه که بدنیا پامی گذارند، بخوبی برای تعامل با والدین مجهزند. آن‌ها دارای غرایز اجتماعی هستند که والدینشان را تشویق می‌کند با آنها تبادل پیام کند. به عبارت دیگر هم والدین و هم کودک برای اختلاط دوطرفه‌ای که زیربنای تمامی تعامل‌های اجتماعی است، آماده‌اند. کودکان در جستجوی توجه محبت‌آمیز هستند و پدر و مادر می‌توانند با توجه محبت‌آمیز خود، کودک را به موجودی اجتماعی تبدیل کنند و اگر می‌خواهیم کودکانمان به بزرگسالانی اجتماعی و بامحبت تبدیل شوند باید از همان ابتدا نیازهای آنان را پاسخ دهیم. این کار باعث می‌شود آنها به افرادی پاسخ‌دهنده به دیگران با رفتاری دوستانه، اجتماعی و بامحبت تبدیل شوند. رابطه‌ای که کودک با والدینش و در وهله‌ی اول با مادرش ایجاد می‌کند، طرحی کلی برای همه‌ی روابط دیگر او خواهد بود.

کودکان با تقلید از ما اجتماعی می‌شوند، بنابراین پدر و مادر مسئولیت دارند که آگاهی اجتماعی خود را بیش از هر زمان دیگری افزایش دهند.

رشد اجتماعی در این دوره بطور خلاصه شامل :

در نوزادی

کودک دوست دارد موقع صحبت با شما به شما گوش دهد و نگاه کند. دهانش را حرکت می‌دهد، زبانش را بیرون می‌آورد و بدنش را تکان می‌دهد.

۱۲ هفتگی

سرش را بطرف صدای شما می‌چرخاند و به شما لبخند می‌زند. خشنودی خود را با لگزدن یا پا، لبخندزدن و حرکت دادن دستانش نشان می‌دهد.

۱۶ هفتگی

کودک به کسانی که با او صحبت یا بازی می‌کنند لبخند می‌زند. شما و سایر اعضای خانواده را می‌شناسد. دوست ندارد مدت زیادی با اسباب بازی تنها بماند.

۲۰ هفتگی

با برگرداندن صورت و بدن از خود شرم و خجالت نشان می‌دهد. به افراد آشنا لبخند می‌زند و به چهار طریق ارتباط برقرار می‌کند: گریه کردن، صدا درآوردن، حالات صورت و حرکات بدن.

۲۴ هفتگی

کودک سرعت در حال پیشرفت است، با حرکاتی همچون نوازش کردن، ضربه زدن، چنگ زدن و سیلی زدن واکنش نشان می‌دهد. به عنوان نشان دادن علاقه به صورت شما دست می‌کشد. از غریبه‌ها می‌ترسد و احساس تعلق خود به شما را با چنگ زدن به شما و نگاه داشتن شما، نشان می‌دهد.

۴-۵ رفتار پدر با نوزاد

غالب نوزادان با پدرشان به همان اندازه دلبستگی نشان می‌دهند که به مادرشان. برخی از منتقدان اجتماعی معتقدند که پدران به همان اندازه می‌توانند از فرزندان خود نگهداری کنند که مادرانشان. مشاهداتی که در وضعیت استاندارد از پدران انجام شده است نشان می‌دهد که آنان به هنگام شیردادن (شیشه) به کودک و یا بغل کردن او به اندازه همسرشان محبت، حساسیت و مهارت نشان می‌دهند. رابطه عاطفی پدر با نوزاد می‌تواند در رشد اجتماعی نوزاد مؤثر باشد.



۶- رشد گفتاری

اصول اساسی زبان جزئی از ساختار مغزی همه کودکان است. یک کودک ناشنوا در همان سنی شروع به صدا درآوردن می‌کند که یک کودک شنوا، بنابراین تحریک شنوایی برای رشد زبانی ضروری نیست. برخی نظریه پردازان حتی بر این عقیده اند که یک "دستگاه فراگیری زبان" در جایی از مغز وجود دارد که زبان را اجتناب ناپذیر می‌نماید. زبان و گفتار ارتباط نزدیکی با هم دارند. هردوی آنها بازتاب نیاز غریزی بشر برای برقراری ارتباط هستند. این نیاز در کودکان بسیار خردسال که در پاسخ به ارتباط کلامی، بدن و دهان خود را بحرکت درمی‌آورند، مشهود است. در شش هفتگی کودکی که با اوصحبت می‌شود غالباً می‌تواند نوعی گفتگو را انجام دهد، زیرا یادگرفته است که صداها، اداها و اطوار جسمانی همیشه و بدون استثناء سبب می‌شوند که فردی که کودک با او گفتگو می‌کند، پاسخ دهد. اگر زیاد با کودک صحبت کنیم او حتی در سن هشت هفتگی شروع به تقلید از صداها می‌کند. در نتیجه والدین باید با کودکان با استفاده از صحبت کردن، آواز خواندن، شعر، بیان وقایع و گفتگوهای خاص زمینه گفتار را فراهم کنند. تکیه کردن روی کلمات، استفاده از آهنگ در کلام و تکرار صداها ساده به مغز کودک کمک می‌کند میلیون‌ها پیوند عصبی لازم برای رشد گفتاری را بسازند.

کودکانی که محبت بدون قید و شرط دریافت می‌کنند و زیاد در آغوش گرفته می‌شوند نسبت به آنهایی که محبت آشکار دریافت نمی‌کنند، شانس بیشتری برای یادگیری زبان دارند

بطور خلاصه:

نوزاد تا هشت هفتگی

در مراحل اولیه آموختن گفتار، کودک گوش می‌دهد و سعی می‌کند. صداها را تقلید کند. از بدو تولد به صدای زیر انسانی واکنش می‌دهد. سعی می‌کند اداها و حالات مختلف صورت شمارا تقلید کند. چشم‌های او بسرعت به طرف صدا برمی‌گردد و خیره شدن و حالت عمدی دارد. سعی می‌کند با استفاده از اداها و صداها و حالات بدن صحبت کند بطوریکه از سن دوهفتگی وارد گفتگو می‌شود. در شش هفتگی صدایتان را تشخیص می‌دهد و در هشت هفتگی به آن پاسخ می‌دهد.

۸ تا ۲۴ هفتگی

یک تا دو هفته پس از لبخند زدن به شما، ممکن است صداها ساده مثل «اه، آه و اوه» را تکرار کند. حدود یکماه بعد احتمالاً "حروف بی صدا" نیز اضافه می‌شوند. معمولاً وقتی ناراحت می‌شود «م، پ و ب» و وقتی خوشحال است «ج، ک» را ادا می‌کند. در ۱۲ هفتگی جیغ‌های شادی می‌کشد تا ۱۲ هفتگی دارای یک زبان صوتی شامل خنده، جیغ شادمانه، دمیدن از بین لبها و تولید حباب است. تا ۲۴ هفتگی کودک «کا، دا، ما و اگ» را به واژگان می‌افزاید.

منابع:

۱. برک، لورا ای (۱۳۸۵). روانشناسی رشد ۱ (از لقاح تا کودکی)؛ مترجم یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر ارسباران.
۲. سیف، سوسن... [و دیگران] (۱۳۷۷). روانشناسی رشد (۱)؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۳. ماسن، پاول هنری... [و دیگران] (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک؛ مترجم مهشید یاسائی؛ تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.
۴. میریام، استاپرد (۱۳۸۸). همه کودکان تیزهوشند اگر...: چگونه استعدادهای واقعی کودک خود را کشف و تقویت کنیم؛ ترجمه سهراب سوری، امیرصادق بابلان. تهران: ذهن آویز.